

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی-فرهنگی

اشعار لاهوتی
فرستنده : جاوید
۱۹ جولای ۲۰۲۱

(پهلوی به پهلوی) ۱

چو جان بنشسته بُد دوش آن بت مه رو، به پهلویم
به جرم اینکه در عالم فقط رو سوی او دارم
به سروی یا به کاجی گر زخم در بوستان تکیه
نسیم غم مرا می بُرد از این عالم به یک جنبش
چه خیری بُدی از دل، گر نبُدی او، دل آرامم
به چشمانش چو دوزم دیده، از خود بی خبر گُردم
همین را خواهم از دنیا که وقت کار و آسایش
کنون جان رفته و مانده فقط زانو، به پهلویم
چه خنجرها خلد پیوسته از هر سو، به پهلویم...
چنان تیری ست بی آن قامتِ دلجو، به پهلویم
نمی زد حلقه گر آن موی عنبر بو، به پهلویم
چه حاصل باشد از جان، گر نباشد او، به پهلویم
تصور می کنم بنشسته یک آهو، به پهلویم
بود او دوش بر دوش من و پهلوی به پهلویم

مسکو، فیروزی ۱۹۳۹

۱- از اپرای کاوه آهنگر